

بسم الله الرحمن الرحيم

جلسه اول: ۹۶/۳/۲

موضوع جلسه: حرج در سقط در مانی

اعضای جلسه: آیت الله هاشم نیازی - حجت الاسلام و المسلمین محمد رحمانی زروندی نیشابوری -

حجت الاسلام و المسلمین یوسف فاطمی نیا - حجت الاسلام و المسلمین دکتر عباس علی واشیان - دکتر

حمید صدیقی آخا - محمد جعفر صادق پور - طه زرگریان

محورهای بحث: کلیات

مشروح جلسه

در این جلسه ابتدا توضیحات مختصری در خصوص ضرورت پژوهش‌های میان‌رشته‌ای بویژه در حوزه فقه پزشکی قانونی ارائه گردید و در ضمن آن مسأله سقط درمانی و بسامد فراوان آن و نیز نیازمندیهای فقهی آن در زمینه تبیین ماهیت حرج، مورد اشاره قرار گرفت. سپس، سؤالات اساسی و مهمی در حوزه سقط درمانی و مخصوصاً موارد تحقق حرج، ارائه شد. این پرسش‌ها عموماً ناظر بر مباحث مربوط به حقیقت حرج، ملاک و معیار تحقق آن، نوعی و شخصی بودن آن و نیز حرج استقبالی و فعلی، طرح گردید. پس از این، به طرح پاسخ‌هایی به این پرسش‌ها مبادرت شد. اولین مطلبی که عنوان گردید این بود که در خصوص چستی حرج دو دیدگاه در فقه وجود دارد که در یک دیدگاه اعتقاد بر این است که حرج عبارت است از «صعوبت غیرقابل تحمل» و در دیدگاه دوم، حرج به «صعوبتی که زندگی را بر آدمی دشوار می‌کند» تعریف شده است. حضار جلسه، معتقد بودند معنای دوم از استواری بیشتری برخوردار است. البته یکی از اعضا معتقد بود که اگر ما قائل باشیم به اینکه مفهوم حرج بستر تحقق شبهه مفهومی است، بایستی میان موارد مختلف تفصیل قائل شد. علاوه بر این بحث، بیان شد که ما بایستی اساساً بحث کنیم که آیا حرج می‌تواند رافع حکم حرام باشد یا حرج تنها امر واجب را مرتفع می‌سازد. بنابراین، ما ابتدا بایستی مبنای ماده واحده سقط درمانی را بحث کنیم.

یکی دیگر از اعضا ادامه داد: گاه مباحثی که ما مطرح می‌کنیم جنبه مبنایی دارد و در صدد نقد مبنای قانونگذار هستیم و گاه در پی تفسیر و تبیین مراد او. ما در جلسه‌ای اینچنین که برای گره‌گشایی از کار پزشکان قانونی

تشکیل شده، بی شک در مقام دوم بحث می‌کنیم و از همین رو، لازم نیست به این نکته پردازیم که آیا مبنای قانونگذار در اینکه حرج را رافع حکم حرام دانسته، درست است یا نه؟ بلکه سخن این است که حال که قانونگذار حرج را رافع حکم حرام هم دانسته، مراد از این حرج چیست. دومین مطلبی که این بنده بر آن تأکید کرد این بود که علی القاعده استفاده از عناوین ثانوی زمانی جایز است که ما راه‌گریزی نداشته باشیم؛ بر این پایه اگر مادری می‌داند نوزادش بعد از تولد توسط نهاد، ارگان یا کسی قابل نگهداری است و از این رو حرجی به او وارد نمی‌آید، نمی‌تواند با تمسک به حرج، نوزادش را سقط نماید. بر این پایه برخی از مثال‌هایی که جناب دکتر صدیقی فرمودند، اصولاً بستر لازم برای استفاده از عناوین ثانویه را ندارند. این سخنان مقبول اعضای دیگر نیز واقع گردید و در تأیید آنها، مطالبی بیان شد.

نکته مهم دیگری که بر آن تأکید شد این بود که لاجرح اساساً یک قاعده‌ی امتنانی است و اگر میان امتنان بر جنین و امتنان بر مادر تعارض پیش آید، نمی‌توان به آن تمسک کرد. به عبارت دیگر، استفاده از قاعده لاجرح بایستی به نحوی باشد که امتنانی بودن آن نسبت به جنین نیز ملحوظ گردد و فقط مادر مخاطب این قاعده امتنانی قرار نگیرد.

در مجموع، همه حضار به این نتیجه رسیدند که شایسته است ابتدا مفهوم دقیق حرج، تبیین گردد و آنگاه به مباحث دیگر پرداخته شود، لذا موضوع جلسه بعد، «مفهوم‌شناسی حرج» در نظر گرفته شد.

محمد جعفر صادق پور

پژوهشگر مرکز مطالعات فقهی پزشکی قانونی